

این تعارض دوگانه را به یک تعارض سه‌گانه مبدل می‌سازد؛ در مجموع، افراد متعارض در مقابل منافع اجتماعی، علاوه بر تعداد محدود «متخلفان» به عموم افراد در نقش «سوت‌زن» هم تسری می‌یابد.

ماحصل تحلیل مذکور اینکه سازوکار گزارش‌گری فساد به شکلی که در بسیاری از کشورها انجام می‌شود، باعث تعارض منافع مضاعف شده و منجر به پدیده‌ی «فساد واگیردار» می‌شود. وقتی با این مبنا و منطق، آمار و ارقام کشف فساد از طریق سازوکار گزارش‌گری فساد را در کشورهای مختلف تحلیل می‌کنیم، تفاوتی متفاوت از کارآمدی این سازوکار قابل‌برداشت است؛ چراکه وقتی این سازوکار موجب تعارض منافع بیشتر می‌شود؛ در یک نگاه ظاهری، مفسد بیشتری را کشف نموده است ولی در نگاه دیگر، همین مفسد بیشتر دلالت بر فساد آفرینی این سازوکار دارد. در نتیجه، با پیاده شدن این سازوکار، مفسد بیشتری افشا شده‌اند و اگر بخشی از مفسد افشا نمی‌شوند، از این جهت است که به شکل حرفه‌ای و مرموزانه‌تری انجام می‌شوند.

گام دوم: بازطراحی سازوکار گزارش‌گری فساد

در گام اول سعی شد که ماهیت گزارش‌گری فساد، فی‌نفسه مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین از مبنا و منطق این سازوکار مشخص شد که استفاده‌ی مطلق از این روش، باعث گسترش تعارض منافع میان فرد و اجتماع می‌شود؛ اما فارغ از تحلیل مطلق، وقتی این سازوکار را به همراه تغییراتی مقید می‌سازیم، باعث هضم در نظام و فرهنگ ما شده و فرایند متفاوتی پیدا می‌کند و به تبع، نتیجه‌ی متفاوتی را به ارمغان می‌آورد. در نتیجه، برای بازطراحی سازوکار گزارش‌گری فساد، همان‌گونه که سرخط اصلی طرح بحث این سازوکار از بیانات رهبری معظم انقلاب اتخاذ شد، نکاتی را از ایشان استمراج می‌کنیم؛ ایشان در این راستا متذکر شدند:

آمر به معروف و ناهی از منکر که از جمله‌ی آن‌ها، همین گزارش‌گری است که می‌آید راجع به وجود فساد در فلان نقطه، در فلان معامله، در فلان اداره به شما گزارش می‌دهد، بایستی

امنیتش - هم امنیت مادی‌اش، هم امنیت معنوی‌اش - حفظ بشود و مورد تعرض قرار نگیرد.

وقتی رهبری در توصیف شخص گزارش‌گر فساد، تعبیر آمر به معروف و ناهی از منکر را بیان می‌کند، نشان از این دارد که ایشان، اصل فعل گزارش‌گری فساد را از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند؛ بنابراین فضایی که سازوکار مذکور قرار است، در آن هضم شود، فضای امر به معروف و نهی از منکر است. در این فضا، مناسبات و قواعد متفاوتی حاکم است. به طور عملیاتی، اجرای سازوکار گزارش‌گری مردمی در دو لایه به اعمال تغییراتی نیاز دارد: یک لایه، «کارگزاران دستگاه قضا» هستند و مطابق فرمایش رهبری «باید برای این موضوع، زیرساخت‌های حقوقی در قوه‌ی قضاییه فراهم شود و در لایه‌ی دیگر، عموم مردم هستند که در نقش گزارش‌گران فساد قرار می‌گیرند.

کارگزاران دستگاه قضا

همان‌گونه که بیان شد، سازوکار گزارش‌گری فساد مرسوم در جهان با درگیر کردن منفعت شخصی گزارش‌گران، آن‌ها را در کشف فساد متخلفان به کار می‌گیرد و از این طریق، فسادهای پنهان را افشا می‌نماید ولی غافل از اینکه علت

۹۹ برخلاف عقبه‌ی کنش انسانی که منجر به فساد اجتماعی می‌شود، می‌توان کنش دیگری را تصویر نمود که صلاح اجتماعی را در پی داشته باشد. به جای اینکه انگاره‌ی خودبتریبینی برای افراد ایجاد شود، باید به نیاز و نقص درونی متوجه شوند، زیرا توجه به این جنبه، خیال برتری و ارجحیت را زدوده و بساط تفرقه جمع می‌شود. وقتی افراد اجتماع، تنها وجه مشترک میان خود را «نقص» بدانند، احساس قربابت و نزدیکی می‌کنند. در این صورت، افراد مانند چرخ‌دنده‌هایی هستند که با همدیگر حرکت می‌کنند. لذا روابط و نسب میان افراد به گونه‌ای تنظیم شده که نواقص پوشش داده می‌شود و برخلاف تعارض بر سر منافع، هم‌افزایی صورت می‌گیرد. **۶۶**

اصلی بروز فساد در تعارض منافع میان فرد و اجتماع ریشه داشته و تحریک منفعت شخصی افراد، عرصه‌ی سه‌گانه‌ای از تعارض منافع را می‌گستراند و گزارش‌گران فساد هم از جمله طیف متعارض با منافع اجتماع محسوب می‌شود.

کارگزاران دستگاه قضا برای پیاده‌سازی سازوکار گزارش‌گری فساد باید ملاحظات بسیاری را مدنظر داشته باشند، از آن جمله که رهبری به روشنی متذکر شدند: «امنیت مادی و معنوی گزارش‌گر حفظ شود و آمر به معروف و ناهی از منکر دلگرم باشد که دستگاه قضایی پشتیبان او است» اما به تناسب اشکال اصلی وارد بر شیوه‌ی مرسوم که در بیان گذشت، باید از توسعه‌ی تعارض منافع از عرصه دوگانه به عرصه سه‌گانه جلوگیری کنند. این تغییر در سازوکار گزارش‌گری فساد به این شکل خواهد بود که گزارش فساد به منفعت شخصی گزارش‌گر وابسته نباشد.

به طور مثال اگر فساد مالی توسط یک گزارش‌گر افشا گردید، عایدی گزارش‌گر نسبتی با میزان فساد مالی فرد متخلف نداشته نباشد؛ بلکه میزان عایدی او به همان مقداری باشد که سایر افراد ذی‌نفع بهره‌مند خواهند شد. در غیر این صورت، هر مقداری که فرد گزارش‌گر، بیشتر از سایر افراد ذی‌نفع، از فساد کشف شده، عاید شود، از منافع عمومی اجتماع بوده و منفعت شخص گزارش‌گر با منفعت اجتماع متعارض گردیده است. به بیان دیگر، هر سازوکاری که در اجتماع پیاده می‌شود، به مرور انتظارات عقلایی افراد را شکل می‌دهد؛ لذا سازوکار گزارش‌گری مطرح در جوامع غربی، این انتظار عقلایی را برای فرد ایجاد می‌کند که «اگر فساد را گزارش کردم، باید سهمی از آن فساد را دریافت کنم.» این تلقی در واقع مشارکت در فساد است؛ هرچند از فساد متخلف جلوگیری کرده است ولی فسادی را به نحو دیگری (اگرچه قانونی) مرتکب شده است.

گزارش‌گران مردمی

در تحلیل جامعه‌شناختی از علت فساد و تأثیر گزارش‌گری فساد، این نتیجه حاصل شد که عمل گزارش‌گران فساد که به صورت متعارف در جهان انجام می‌شود، شباهت بسیاری با فساد دارد و به عبارتی، مشارکت در فساد تحلیل شد؛ با این تحلیل، مردم نیز باید بر کنش اجتماعی خود